

مال و مقام و نیز صراحت و شجاعت در بیان اشتباهات خود و دیگران بود.

بهار زندگی را بسیار دوست می داشت و آرزوی بسیار می دانست اما زندگی بدون مطالعه و کتاب را مسخره تلقی می کرد.

شاید مهمترین تأثیری که مهرداد بهار بر شاگردان و همکاران اش گذاشته است، آشنا کردن آنان با نگرش علمی و شیوه اندیشیدن و قضاوت درست است. اینکه عالم کسی است که در برابر تنوع و غنایی که در فرهنگ بشری وجود دارد توجه و حتی فروتنی نشان بدهد و در عین حال خویش را متعهد به سبب یابی بداند و ملتزم به این باشد که آن تنوع و غنا را به نحو روشن و قابل فهم بیان کند.

گفتار ۱۱۸

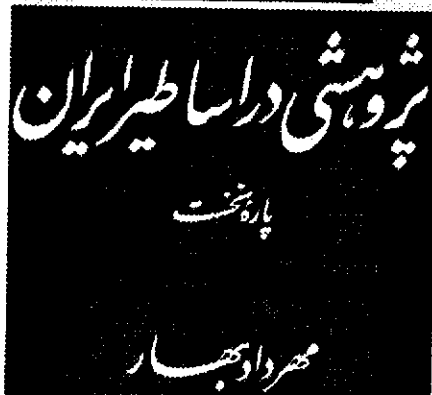
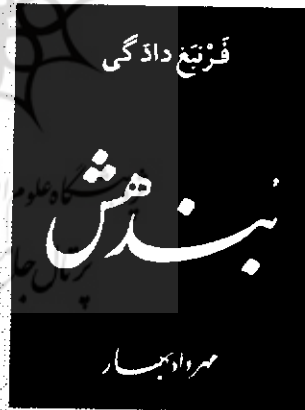
ف.ا.ف

همه آنچه در این نوشته از قول شادروان بهار نقل شده، از مصاحبه مفصلی با او گرفته شده که در شماره ۵۴ مجله گلگ که یادگار نامه اوست چاپ شده است. فهرست کامل آثار وی نیز همانجا ثبت شده است و علاقه مندان برای آشنایی بیشتر با او و آثارش می توانند به آن مراجعه کنند.

اسطوره شناسی نظر دارد و جنبه یا جنبه هایی از هر یک را درست می داند. او خلاصه ای از آخرین دریافتهایش را در زمینه اساطیر با وضوح و انسجام بی نظیری در این مصاحبه بیان کرده است.

شادروان بهار در کار آموزش نیز سبک ویژه ای داشت. شیوه او به نحوی بود که دانشجو و دستیار خود را به مشارکت فعال و اندیشیدن وا می داشته است.

آنچه از سجایای شخصی او می توان گفت فروتنی، مدارا، صفا و مهربانی و بی اعتنایی به



پدر آلمان متحد بار دیگر  
انتخاب شد

در سال ۱۹۸۲، هنگامی که هلموت  
اشمیت صدر اعظم آلمان غربی و هلموت شون  
مری تیم ملی فوتبال این کشور بود، روی کار

آمدن صدراعظم جدیدی به نام هلموت کهل  
تعجب محافل سیاسی را برانگیخت. برخی می  
گفتند که او جز نام «هلموت» برجستگی دیگری  
ندارد و کمتر کسی باور می کرد که او روزی به  
یکی از معروفترین چهره های سیاسی تاریخ  
آلمان تبدیل شود.

براستی نیز در مقام مقایسه با اشمیت که به  
داشتن غنای فرهنگی و جذبۀ سیاسی شهرت  
داشت، هلموت کهل نه نشانی از فرهنگی بودن  
از خود بروز می داد و نه جذبۀ سیاستمدارانه ای  
داشت. به همین دلیل نیز هلموت کهل موضوع  
مضحکه و تبدیل به شخصیت مطلوب لطیفه های  
سیاسی در آلمان شد و اکثر تحلیل گران سیاسی  
طول عمر سیاسی وی را کوتاه می دیدند و منتظر  
جایگزینی سریع او توسط سیاستمدار دیگری  
بودند. اما هلموت کهل نه فقط دوره اول  
صدارت خویش را به پایان برد، بلکه سه دوره  
متوالی دیگر نیز به این سمت برگزیده شد و می  
رود که با شانزده سال سابقۀ صدارت، رکورد  
صدارت چهارده سالۀ کنراد آدنauer را بشکنند و به

پرسابقه ترین صدر اعظم آلمان بعد از بیسمارک  
تبدیل شود.

دلیل موفقیت کهل را مخالفان وی به  
فقدان سیاستمداران رقیب طراز اول نسبت  
می دهند و نیز ماندگاری او را به حساب تصفیه  
ها می گذارند که در حزب خود انجام داده  
است. مشکل بتوان صحت و سقم این حرف ها  
را ارزیابی کرد. اما آنچه روشن است این واقعیت  
است که هلموت کهل از آغاز بحرانی که شرق  
اروپا را درگیر خود کرد، همچون سیاستمداری  
خبره بر سرنوشته آلمان نظارت داشت. هلموت  
کهل توانست آلمان را در یکی از بحرانی ترین  
دوران ها یعنی در دورانی که با فروپاشی بلوک  
شرق و شوروی و سقوط دیوار برلین آغاز شد و با  
اوج گیری احساسات ملی گرایی و نازیسم همراه  
بود، با درایت رهبری کند. نقش مثبت و سازنده  
آلمان در روند اتحاد اروپا نیز امری چشم  
ناپوشیدنی است و به عنوان یکی از موفقیت های  
سیاسی هلموت کهل به حساب می آید. در کنار  
تمامی این موفقیت ها و بالاتر از همه نقش فعال  
و ماهرانه و انکار ناپذیر اوست در هدایت اتحاد  
دو آلمان که کوهی از مشکلات سیاسی،  
اجتماعی و اقتصادی را به همراه داشت و کهل  
همه را با مهارت مدیریت نمود. بی جهت نیست  
که او را «پدر آلمان متحد» می نامند و به احتمالی  
بسیار زیاد او این چهارمین انتخاب خود را مدیون  
نقشی است که در این روند ایفا کرد.



هلموت کهل